

The role of the Jews in the Andalusian translation movement (11th-13th centuries)

Muhammad Jafar Ashkevari¹ | fereshteh heidari² | Seyedeh Zahra Mousavi³

Received: 2021/08/30 | Accepted: 2021/11/03

(DOI): [10.22034/SKH.2022.10007.1180](https://doi.org/10.22034/SKH.2022.10007.1180)

Abstract

Original Article

P 95 - 116

After the conquest of Mecca and the defeat against the Prophet (PBUH), the Quraysh tribes changed their political approach in order to regain power. This change in the way they function within the Islamic society, especially in the period from the conquest of Mecca to the Saqifa, can be discussed. This article is responsible for examining the political situation of the Quraysh and the events that took place at this point in history. Despite the fact that the discussion of the events after the death of the Prophet (pbuh) is influenced by many backgrounds, including even the period before the resurrection, this period of history when the Quraysh were forced to accompany and surrender to the Prophet (pbuh) is a turning point in the history of Islam whose events had a direct impact on the fate of the Islamic Ummah. A careful analysis of this part of the early history of Islam reveals the hidden angles of the Quraysh's extensive and group efforts to regain power this time under the guise of Islam. The method of this research, which is done after using the library resources, will be descriptive-analytical.

Keywords: Keywords: Quraysh, Caliphate, Prophet, BaniHashim. Saqifa.

1- Assistant Professor of History and Civilization of Islamic Nations, university of Zanjan (Corresponding Author), Zanjan, Iran, ashkevari@znu.ac.ir.

2- Master of History and Civilization of Islamic Nations, Zanjan University, Zanjan, Iran, heidary.fti@gmail.com.

3 - PhD student in History and Civilization of Islamic Nations, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, Zahra.mousavy@yahoo.com.



نقش یهودیان در نهضت ترجمه در اندلس (قرن های ۱۱ تا ۱۳ میلادی)

محمدجعفر اشکوارى (نویسنده مسؤل) ^۱ | فرشته حیدری ^۲ | سیده زهرا موسوی ^۳

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2022.10007.1180](https://doi.org/10.22034/SKH.2022.10007.1180)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۱۱۶/۹۵

چکیده

نهضت ترجمه در اندلس بعد از تصرف طلیطله (۴۷۸ ق) و آشنایی مسیحیان با میراث علمی مسلمانان آغاز شد. یهودیان به دلیل حضور در جوامع اسلامی، تسلط بر زبان عربی و به پشتهوانه دانش خویش، از مهم ترین افراد در نهضت ترجمه به شمار می رفتند. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی علاوه بر بیان زمینه ها و چگونگی حضور یهودیان در اندلس، نقش آن ها را در نهضت ترجمه بررسی کرده است. یافته های پژوهش نشان می دهد به دنبال سخت گیری های موحدان، روند حضور یهودیان در اندلس افزایش یافت و آن ها علاوه بر ترجمه، تجربه های خود را در امور سیاسی به مسیحیان منتقل کردند. مترجمان یهودی ضمن ترجمه آثار مختلف در طب، ریاضیات، نجوم و فیزیک از عربی به اسپانیایی، عبری و لاتین خود نیز در دانش های مختلف صاحب نظر بودند. برخی از مترجمان برای امرار معاش و برخی دیگر به دنبال جلب نظر حکام نسبت به جامعه یهودیان بودند.

واژه گان کلیدی: نهضت ترجمه، یهودیان اندلس، دارالترجمه طلیطله، مترجمان یهودی.

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران (نویسنده مسؤل) ashkevari@znu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران. heidary.fti@gmail.com

۳. دانشجوی دکتر تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

Zahra.mousavy@yahoo.com



مقدمه

در دوره‌اى که اروپا تحت حاکمیت اربابان کلیسا، غرق در جمود علمى و فرهنگى بود، بازار علم، اندیشه و فرهنگ در جهان اسلام پرونق بود و بسیاری از مباحث علوم عقلی و فلسفی آثار یونانیان توسط مسلمانان ترجمه، بسط و گسترش یافت. با آغاز بازپس‌گیری اسپانیا^۱ و تصرف طلیطله در سال ۴۷۸ ق، که به‌عنوان یکی از مراکز مهم علمى و فرهنگى مسلمانان به شمار می‌رفت، زمینه تعامل فرهنگى و علمى میان مسلمانان و مسیحیان فراهم گشت و همین موضوع مقدمات نهضت ترجمه را فراهم ساخت. در ترجمه از یهودیان که مدت زیادى در میان مسلمانان حضور داشتند و آن‌هاى که در پی سختگیرى‌هاى مذهبى موحدین از شمال آفریقا به شهرهاى اندلس از جمله طلیطله مهاجرت کرده بودند، بسیار بهره بردند. یهودیان در مدارس مسلمانان علم آموخته و به زبان عربى مسلط بودند. ترجمه‌ها از زبان عربى به عبرى و سپس لاتین صورت می‌گرفت و بیشتر ترجمه‌ها در زمینه علوم عقلی چون طب، ریاضیات، نجوم و فلسفه بود. علاوه بر ترجمه، یهودیان به دلیل تجربه‌اى که در دربار مسلمانان کسب کرده بودند در امور ادارى و سیاسى نیز مشغول به فعالیت شدند.

تاکنون مقاله‌هاىی مانند «نقش شهر طلیطله در انتقال علوم و معارف اسلامى به اروپا»^۲، «نقش شهر طلیطله در انتقال طب به اروپا»^۳، «نقش دارالترجمه طلیطله در انتقال علوم اسلامى به غرب»^۴ و «مراحل اصلى انتقال علوم از اسلام به غرب مسیحى»^۵ نگاشته شده است. در مقاله‌هاى نامبرده بیشتر تمرکز بر دارالترجمه طلیطله است و به رغم این که از برخى از مترجمان

4. Reconquista

۱. شهیدى پاک، محمدرضا (شهریور ۱۳۹۷)، «نقش شهر طلیطله اندلس در انتقال علوم و معارف اسلامى به اروپا»، ماهنامه دستاوردهاى نوین در مطالعات علوم انسانی، ش ۴، صص ۱۰-۲۰.
۲. کعدان، عبدالناصر؛ عنجرینى، محمود (بهار ۱۳۸۹)، «نقش شهر طلیطله اندلس در انتقال طب به اروپا»، ترجمه فرزانه غفارى و هانیه مرتضى، تاریخ پزشکی، ش ۲، صص ۵۵-۶۷.
۳. اشکوارى، محمدجعفر؛ غفارزاده، پریسا (زمستان ۱۳۹۵)، «نقش دارالترجمه طلیطله در انتقال علوم اسلامى به غرب»، تاریخنامه خوارزمى، ش ۲، صص ۲۳-۴۴.
۴. هروى، حسینعلی (۱۳۵۱)، «مراحل اصلى انتقال علوم از اسلام به غرب مسیحى»، مقالات و بررسی‌ها، ش ۲۵ و ۲۶، صص ۱۰-۳۵.

یهودی و آثار ترجمه شده توسط آن‌ها سخن گفته شده است، اما درباره اهمیت نقش یهودیان در انتقال علوم اسلامی به غرب مطلب چندانی ندارند. با توجه به ضرورت بحث، پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به چگونگی حضور یهودیان در اندلس و نقش آن‌ها در نهضت ترجمه پرداخته است.

تاریخچه حضور یهودیان در اندلس

بخش مهمی از ساکنان یهودی اسپانیا و مغرب به دوره روم بازمی‌گردد. خاستگاه آنان اروپای شرقی و مناطق خزری بود که از قفقاز مهاجرت کردند و از فرزندان ابراهیم، یعقوب و اسحاق محسوب می‌شدند. (ارنالدیز، ۱۹۷۳: ۴۱) در دوره‌ای که اندلس تحت حاکمیت روم قرار داشت یهودیان به عنوان اقلیت در جامعه اندلس به دلیل تعصبات مذهبی از طرف دولت روم تحت فشار بودند. به همین دلیل مذهب خود را پنهان کرده و خود را مسیحی معرفی می‌کردند. (مونس، ۱۹۶۴ م: ۵۲۰-۵۲۳) شغل بیشتر یهودیان تجارت بود. آنان بیشتر در شهرهای ثروتمند مانند اشبیلیه، طلیطله، قرطبه و غرناطه حضور داشتند (ادریسی، ۱۹۶۸ م: ۲۰۵) حتی غرناطه را به خاطر شمار زیاد یهودیان، غرناطه یهود می‌خواندند. (حمیری، ۱۹۳۷ م: ۲۳) مراکز تجاری آنان نزدیک محل سکونت خود بود و در زمینه تجارت طلا و خریدوفروش برده که از معاملات سودآور در اندلس بود بسیار موفق بودند. یهودیان با استفاده از موقعیت خود در تجارت، ثروت هنگفتی به دست آوردند. (ابن حوقل، ۱۹۳۸ م: ۱۱۰) این گروه از یهودیان تاجر حمایت و همراهی حاکمان روم را با دادن وام و حق امتیاز، برای تجارت کالا فراهم می‌کردند. (عمر فروخ، ۱۹۸۱: ۱۷۹)

با آغاز سده پنجم میلادی و فراگیر شدن ضعف و آشوب در امپراتوری روم، اندلس تحت حاکمیت گوت‌های غربی که از قبایل بربر ژرمن و مسیحی بودند، قرار گرفت و طلیطله به عنوان پایتخت انتخاب شد. (اندلسی، ۱۳۷۶: ۲۳۶-۲۳۸) یهودیان در این دوره نیز به دلیل نفوذ و قدرت اسقف‌های کلیسا و تعصبات شدید مذهبی مورد بغض و کینه مسیحیان قرار می‌گرفتند. (عنان، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۲۸) چنانچه در زمان فرمانروای ویزیگوت اژیکا^۹ (۶۸۷-۷۰۲ م) یهودیان دو راه پیش روی خود نداشتند؛ یا باید مسیحی می‌شدند و یا به تبعید و مصادره اموال تن می‌دادند. از این رو آنان در سال ۶۱۶ م به اجبار به آیین مسیحیت گرویدند، ولی این تغییر آیین از آزار یهودیان

نکاست. آنان به شدت تحت تعقیب و مصادره اموال قرار گرفتند و بصورت برده در خدمت مسیحیان درآمدند. (وات، ۱۳۷۸: ۱۰) در آستانه حمله مسلمانان به اندلس، یهودیان و مردمان ستم‌دیده که در واقع در خدمت ارتش ویزیگوت‌ها بودند به دلیل گریز از فضای موجود در مقابل مسلمانان تسلیم شدند و آنان را در فتح شهرها همراهی کردند. به این ترتیب اندلس در سال ۹۲ ق توسط موسی بن نصیر و طارق بن زیاد فتح شد. (بلاذری، ۱۹۵۷ م: ۲۲۸؛ فروخ، ۱۹۷۹ م: ۱۵۴) دورنمای زندگی در حاکمیت اسلامی برای یهودیان اندلس همراه با امنیت و آسایش بسیار مطلوب به نظر می‌رسید در حالی که در قرن‌های پیش از فتح مسلمانان در پادشاهی ویزیگوت‌ها زندگی توأم با مشقت داشتند. با این حال تاریخ و فرهنگ یهودیان از زمان فتح اندلس تا سده چهارم قمری تقریباً بطور کامل ناشناخته مانده است. این کمبود آگاهی می‌تواند حاکی از زندگی آرام یهودیان با دیگر ساکنان اندلس و یا بی‌توجهی تاریخ‌نگاران آن دوره نسبت به سرنوشت یهودیان باشد زیرا در این دوره بیشتر به شورش‌های داخلی و حملات مسیحیان شمال در مقابل مسلمانان توجه شده است. (مقری، ۱۹۶۸ م: ج ۱، ص ۶۹)

نخستین حضور یهودیان در جامعه اسلامی اندلس به اوایل دوره خلافت عبدالرحمن سوم (الناصر) (حک ۲۷۷-۳۵۰ ق)، بازمی‌گردد که فردی به نام ابو یوسف حسدای بن اسحاق بن عزرا بن شپروط^{۱۰} (۹۷۰-۹۱۵ م.) به دلیل تسلط بر زبان‌های عبری، عربی، لاتینی و تبحری که در دانش پزشکی داشت، به عنوان طبیب در دربار مشغول به خدمت شد و حتی مسئولیت‌های مهم مالی و سیاسی نیز بر عهده وی گذاشته شد و سرانجام وزارت را در سطح برقراری ارتباط سیاسی خارجی بین خلیفه اندلس و سایر کشورهای مسیحی شمال اسپانیا از جمله کاستیل، آراگون بر عهده گرفت. (ابن ابی صبیعه، ۱۹۶۵ م: ج ۲، ص ۵۰؛ کستلر، ۱۳۶۱: ۷۹-۹۴)

به‌طور کلی در دوران حکومت بنی‌امیه به‌ویژه خلافت عبدالرحمن سوم (حک ۲۷۷-۳۵۰ ق) که مصادف با عصر طلایی مسلمانان بود، در میان اقوام تحت سیطره مسلمانان چون مسیحیان و یهودیان میل دستیابی به مزایای اجتماعی مسلمان شدن و تحسین فرهنگ اسلامی به‌عنوان تمدنی مترقی جایگاه برجسته‌ای داشت. (ابن خلدون، ۱۹۷۱ م: ۱۴۴) یهودیان در این دوران وضعیت بسیار خوبی داشتند و بسیاری از مشاغل مهم سیاسی از جمله وزارت و خزانه‌داری را عهده‌دار بودند. (ابن عذاری، ۱۹۵۰: ج ۳، ص ۷۸) علاوه بر پیشرفت‌های علمی و فرهنگی و

10. Hasdai ibn Shaprut

مناصب درباری، اقتصاد یهودیان نیز در سایه حکومت مسلمانان پیشرفت زیادی کرد؛ زیرا قوانینی مبنی بر محدود کردن تجارت یهودیان همچون زمان ویزیگوت‌ها تصویب نشد. (سارتن، ۱۳۸۳: ۱ ج ۱، ص ۷۷۱-۷۷۲) در دوره عامری (حک ۳۶۷-۴۲۲ ق) و ملوک الطوائفی (۱۱۴۵-۱۱۷۰ م/ ۵۶۵-۵۳۵ ق) نیز از یهودیان در امور مهم سیاسی، اداری، و نظامی استفاده می‌شد زیرا یهودیان به دلیل اقلیت، تهدیدی برای مسلمانان محسوب نمی‌شدند. علاوه بر این، رقابت و دشمنی بین دولت‌ها منجر به استفاده از عناصر غیر عربی شد و یهودیان به‌عنوان یک عنصر غیرعربی هوشمندانه وارد تجارت و حاکمیت دول ملوک الطوائفی شدند و با جلب نظر حاکمان برخی از کارهای مهم را به دست گرفتند. (ابن بسام، ۱۹۴۲ م: ج ۲، ص ۲۶۵) از جمله می‌توان به حضور اسماعیل بن نعزیه یهودی (شموئیل نقید) (۱۰۵۶-۹۹۳ م) و پسرش یوسف نقید (۱۰۶۶-۱۰۳۵ م) به‌عنوان وزیر در دربار بادیس بن حبوس زیری (۴۶۶-۴۳۰ ق) اشاره کرد که نشان دهنده ارتباط نزدیک حاکمان با یهودیان و اعتماد به آنان است. (ابن بسام، ۱۹۴۲ م: ج ۲، ص ۲۶۶)

یکی از مهم‌ترین پیامد ارتباط نزدیک حاکمان مسلمان و یهودیان درباری، ظهور فرهنگ ادبی-التقاطی است که در آن آمیخته‌ای از عقاید عربی و عبری در قالب‌های ادبی ارائه شد و یهودیانی چون ابن شپروط و اسماعیل بن نعزیه (۱۰۵۶-۹۹۳ م) در غرناطه در رشد و انتقال این نوع ادبیات عربی به جامعه یهودیان نقش مهمی ایفا کردند. (جنتالث بالثیا، ۱۹۵۵: ۴۴۸) آن‌ها برای نزدیکی به حاکمان اسلامی و به دست آوردن منصب‌های مهم حکومتی خود را ملزم به آموختن زبان عربی و علوم گوناگون در مراکز آموزشی کردند. این امر منجر به خلق نوعی ادبیات یهودی به زبان عبری شد که به ادبیات عربی شکل کلاسیک داد. (هشام، ۱۳۶۶: ۵۷-۵۸) یهودیان زبان گفتاری خود را نیز به وضعیت تازه‌ای درآوردند و بسیاری از صنایع ادبی که از نحویان عرب فراگرفته بودند تحت تأثیر این ادبیات عربی کلاسیک تجزیه و تحلیل شد. همچنین در مراسلات رسمی در دربار و شعرهای عامیانه که نزد مسلمانان اهمیت ویژه‌ای داشت از زبان عبری نیز بهره جستند. یهودیان با استفاده از زبان عبری این نهاد عربی را به‌صورت تجلی پیوستگی اجتماعی و غرور قومی خود درآوردند و در ترجمه و شرح و بسط بسیاری از علوم و آثار برگرفته از مسلمانان از این زبان استفاده کردند. (هشام، ۱۳۶۶: ۵۸-۶۰)

از آنچه در مورد فرهنگ یهودیان اندلس گفته شد بر می‌آید که دانش آن‌ها از زبان عربی در شکل‌گیری فرهنگ یهودی نقش اصلی را بر عهده داشت. (سارتن، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۷۷۰) آن‌ها از نوشتن متون به زبان عربی حتی در موضوعات مذهبی و اجتماعی ابایی نداشتند و از طرفی

وجود مراکز آموزشی زیاد در اندلس و دسترسی رایگان برای همگان زمینه مشترک فکری میان مسلمانان و یهودیان ایجاد کرد و آنها در شرایط مسالمت‌آمیز توانستند به سطح بالایی از علم دست یابند، به همین دلیل می‌توان دوره امویان را عصر طلایی یهود دانست. (مقری، ۱۹۶۸، م: ج ۱، ص ۶۹-۱۱۱)

پراکندگی و مهاجرت یهودیان در دوران مرابطون و موحدان

با تشکیل حکومت متعصب مرابطون درگیری فرق و مذاهب گوناگون به علت ورود گسترده عقاید مذهبی که علما و دانشمندان از مشرق به مغرب آورده بودند، شدت گرفت. (اندلسی، ۱۳۷۶: ۲۷۱) از طرفی حملات اعتقادی یهودیت و مسیحیت نیز افزایش یافت و سبب نوعی سرگردانی در انتخاب مذهب و دفاع از عقاید بین عوام و خواص شد. به‌ویژه اینکه حاکمان مسلمان به مباحث کلامی و علوم عقلی علاقه نشان دادند و برگسترش این علوم دامن می‌زدند. (فیومی، ۱۹۹۷، م: ۹۴). باتوجه به گسترش مباحث علوم عقلی و فلسفی هریک از اقلیت‌های دینی چون یهودیان و مسیحیان برای یافتن حمایت‌های فکری جهت دفاع از عقاید دینی خود در مقابل مسلمانان برای کسب این علوم سعی در پیشی گرفتن از مسلمانان جهت رد عقاید مذهبی آنان داشتند. (خراسانی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۵۵۷)

علاوه بر درگیری‌های مذهبی در این دوره برخی از حاکمان مرابطون مانند یوسف بن تاشفین (۵۰۰-۴۵۳ ق) به بهانه سکونت تعداد زیادی از یهودیان در دو منطقه سجدماسه و مناطق جنوبی واقع در مغرب دور که به‌عنوان دو دروازه تجارت طلا با اندلس شناخته می‌شد، فشار زیادی به لحاظ مذهبی بر یهودیان وارد ساختند و آنها را مجبور به اسلام آوردن کردند؛ اگرچه برخی از یهودیان با پرداخت مبالغ هنگفت به حاکمان خود را از این امور معاف می‌کردند. (اشباح، ۱۹۳۹، م: ۱۲۰)

با روی کار آمدن موحدان (حک ۵۲۴-۶۶۸ ق) آرامش یهودیان کاملاً از بین رفت زیرا موحدان به دلیل داشتن تعصبات شدید مذهبی، به غیر از اسلام هرگونه دینی را در مناطق تحت حاکمیت خود غیر قانونی اعلام کردند. چنانچه در زمان عبدالمومن موحدی (حک ۵۲۴-۵۵۸ ق) بسیاری از کتاب‌های یهودیان سوزانده شد و از آنان خواستند یا اسلام یا مرگ را برگزینند. تعصب دینی آنان به حدی بود که برخی از یهودیان مسلمان شدند. از جمله مشهورترین آنان ابراهیم بن سهل اشبیلی (د. ۶۵۷ ق / ۱۲۵۹ م) است که در دربار موحدان خدمت می‌کرد. (ابن عذاری، ۱۹۵۰، م: ج ۳، ص ۶۴) همچنین رفتارهای تفرقه افکنانه یهودیان بین حکام و وزرا برای

رسیدن به جایگاه بهتر در دربار نیز بدینی نسبت به آن‌ها را بیشتر کرد. (ابن عذاری، ۱۹۵۰ م: ج ۳، ص ۶۵) بنابراین به‌اجبار بسیاری از یهودیان به سرزمین‌های مسیحی‌نشین در شمال از جمله طلیطله، قشتاله و یا مناطق اروپایی چون شمال ایتالیا و دیگر مناطق مسیحی مهاجرت کردند. (ابن خطیب، ۱۹۵۶: ۱ ج ۱، ۱۱۶-۱۱۹)

با آغاز تصرف سرزمین‌های مسلمان‌نشین، توسط مسیحیان، یهودیان به دلیل از دست دادن موقعیت خود نزد مسلمانان از آنان رویگردان شدند و همکاری با مسیحیان را برای دستیابی به منافع عمومی خود بسیار ضروری دانستند. (دوزی، ۱۹۳۳ م: ۲۹۱) آنان برای حفظ حقوق خود و محافظت از حمله توده‌های متعصب و کلیسا کاملاً وابسته به حاکمان مسیحی شدند. و به دلیل تجربه‌ای که در دربار مسلمانان کسب کرده بودند، عهده‌دار مشاغل دولتی در دربار مسیحی شدند. (هونکه، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۱۸۸)

تأسیس دارالترجمه طلیطله

طلیطله در سال ۹۲ ق توسط موسی بن نصیر و طارق بن زیاد فتح شد. (ابن قوطیه، ۱۹۹۴ م: ۲۲؛ بلاذری، ۱۹۵۷ م: ۲۲۸) بعد از فرازونشیب دوره والیان و امویان، طلیطله به‌عنوان پایتخت بنی‌ذی‌النون (۲۷۴-۴۷۸ ق) انتخاب شد. در دوره مأمون بن ذی‌النون (حک د. ۴۲۹-۴۶۷ ق) این شهر به جایگاه رفیع علمی دست یافت اما در زمان جانشینش یحیی ملقب به قادر (د. ۳۲۵ ق) این موقعیت علمی حفظ نشد و با درخواست مردم و فرار قادر، متوکل عمر بن مظفر بن الافطس حاکم بطلمیوس در سال ۴۷۲ ق وارد طلیطله شد. (ابن سعید، بی تا: ج ۲، ص ۱۳) اما با توطئه قادر و کمک خواستن از آلفونسوی ششم (د. ۱۱۰۹ م) پادشاه قشتاله [کاستیل] و لیون، قادر دوباره به حکومت رسید. ولی درنهایت به دلیل ضعف حکومت بنی‌ذی‌النون در طلیطله آلفونسوی ششم (د. ۱۱۰۹ م) از فرصت استفاده کرد و توانست بعد از ۹ ماه محاصره در سال ۴۷۸ ق طلیطله را به تصرف خود درآورد. (ابن اثیر، ۱۴۱۳: ج ۱۰، ص ۱۰۱؛ حمیری، ۱۹۸۴ م: ۱۳۵) با تصرف طلیطله توسط آلفونسوی ششم، پاپ اوربان دوم (د. ۱۰۹۹ م) طلیطله را در سال ۴۷۸ ق به‌عنوان مقر اسقف اعظم کلیسای اسپانیا برگزید. (همتی، ۱۳۸۶: ۳۴-۳۵).

بنابراین به دنبال بازپس‌گیری اسپانیا و آشنایی با دستاوردهای علمی مسلمانان، شعله اشتیاق و علاقه به تحقق و تتبع در ضمیر اروپاییان روشن شد. (دامپی، ۱۳۷۱: ۱۰۷-۱۰۸) از آنجا که طلیطله در دوره اسلامی به‌عنوان یکی از پایگاه‌های مهم علم و دانش به شمار می‌رفت و

کتابخانه‌های بزرگی در آن توسط مسلمانان تأسیس شده بود (جتالث بالنتیاء، ۱۹۵۵: ۵۳۰) و شمار زیادی از دانشمندان یهودی، مسیحی و اعراب مسلمان که به زبان عبری و عربی و اسپانیایی مسلط بودند در آن حضور داشتند (رشاد، ۱۳۷۳: ۲۴) سبب شد دارالترجمه یا بیت‌الحکمه‌ای در طلیطله توسط مسیحیان جهت ترجمه علوم عقلی و اسلامی تأسیس شود. به‌گونه‌ای که تنها در علم طب سیصد اثر به زبان لاتینی که عموماً زبان اصلی بود ترجمه گردید و در اختیار اروپاییان قرار گرفت. (حایک، ۱۹۸۷ م: ۷-۸)

دارالترجمه طلیطله از سال ۵۱۸ تا ۵۴۵ ق تحت سرپرستی اسقف اعظم رایموندو بود. (کعدانی و عنجرینی، ۱۳۸۹: ۵۸) این دوره هم‌زمان با حکومت آلفونسوی هفتم (۵۱۹-۵۵۱ ق) و پناهندگی بسیاری از مترجمان یهودی بود که در پی سختگیری موحدان به‌اجبار از شمال آفریقا به اندلس و طلیطله پناه آورده بودند. (جتالث بالنتیاء، ۱۹۵۵: ۵۳۰) یهودیان به‌واسطه آشنایی با زبان عربی و علوم اسلامی و شناخت قلمرو مسلمانان نقش فعال و مهمی در ترجمه ایفا می‌کردند. بنا بر خواست مسیحیان طیف وسیعی از علوم به‌ویژه علوم عقلی و تجربی همانند متون فلسفی، طبی، نجومی و ریاضیات توسط مترجمان یهودی در این مرکز ترجمه شد. (نصری، ۱۹۹۳: ۲۹۱)

ترجمه و تألیف آثار در دارالترجمه طلیطله تا آغاز سده سیزدهم میلادی همچنان ادامه داشت. در ابتدا هدف از ترجمه کتب مسلمانان، آشنایی با میراث گذشتگان و انتقال علوم اسلامی بود تا بتوانند افکار و کتب مسلمانان را بشناسند و از این طریق بتوانند پاسخ مناسبی در رد آنان ارائه دهند اما به‌تدریج با آشنایی هر چه بیشتر اندیشمندان اروپایی با پیشرفته‌ای شگرف مسلمانان در علوم گوناگون و تأسیس دارالترجمه طلیطله بیشتر شاهد انگیزه‌های علمی هستیم. (روسو، ۱۳۴۴: ۱۲۷) به‌تدریج با گسترش پایگاه‌های ترجمه در دیگر مناطق اندلس و حوزه‌های دیگر چون سیسیل و جنوب فرانسه در اواخر قرن هفتم هجری دچار رکود گردید. با وجود این بیشتر آثار مهم اعراب و یونانیان به زبان لاتین در این مرکز ترجمه شد. (معایرجی، ۱۳۷۱: ۷۱)

نقش یهودیان در نهضت ترجمه

بسیاری از اقلیت‌های دینی چون مسیحیان و یهودیان زندگی آرامی در کنار مسلمانان داشتند. زبان عربی و علوم مسلمانان را آموختند و با فرهنگ و آداب و رسوم جامعه اسلامی آشنا شدند. بدین ترتیب از طریق تحصیل در مدارس مسلمانان و آشنایی با آثار فیلسوفان اسلامی چون، ابن رشد و ابن سینا به علوم فلسفی و عقلی علاقه نشان داده و پیشرو آنان در این زمینه شدند.

به‌ویژه در دوره ملوک الطوایفی (۱۱۷۰-۱۱۴۵ م / ۵۳۵-۵۶۵ ق) که استفاده از علوم عقلی و فلسفی به جهت استفاده از تبیین عقلانی برای دفاع از عقاید مذهبی بسیار رایج بود. (جنثالث بالنتیاء، ۱۹۸۸ م: ۵۳۱) بیداری فرهنگی و علمی اروپای غربی در قرن دوازدهم میلادی عاملی برای ترجمه علوم توسط یهودیان شد. به‌ویژه با تأسیس دارالترجمه طلیطله و مهاجرت بسیاری از یهودیان شرایط ترجمه علوم اسلامی فراهم گردید. (نصری، ۱۹۹۳ م، ۲۹۲) زیرا هم بر دانش آن‌ها افزوده می‌شد و هم در کنار نزدیک شدن به امرای مسیحی، منافع عمومی خود را حفظ می‌کردند. (حاج منصور، ۱۳۸۳: ج ۱۵، ص ۳۳)

از آنجا که مسیحیان قادر به فهم زبان عربی نبودند نیاز به کسانی داشتند تا به زبان عربی مسلط باشند. یهودیان به دلیل نزدیکی به مسلمانان و تحصیل در مدارس آنان به این زبان تسلط داشتند. بنابراین به‌عنوان مترجم از زبان عربی به عبری حضور فعال یافتند. (کلباسی اشتری، ۱۳۸۹: ۱۱۲) به‌عنوان نمونه ابراهیم بن عزرا (۴۸۴-۵۶۲ ق / ۱۰۹۰-۱۱۶۷ م) فیلسوف مشهور یهودی با مهاجرت خود سبک آموزشی و ادبی یهودیان اندلس را به اروپای مسیحی انتقال داد. (دوزی، ۱۹۳۳ م: ۲۹۲) از طرفی تصرف بخش‌هایی از اندلس توسط مسیحیان نیز سبب گسترش روابط فرهنگی یهودیان اندلس و یهودیان اروپا شد و همین عامل سبب ترجمه از عربی به عبری به‌طور گسترده توسط مترجمان اسپانیایی و اروپایی گردید و یهودیانی مانند ابراهیم بن ناتان و یعقوب آناتولی از فرانسه و ایتالیا با مهاجرت به طلیطله کتاب‌هایی در زمینه ریاضیات و نجوم ترجمه کردند. (سارتن، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۵۶)

اگرچه الگوی مشخصی برای ترجمه علوم در میان یهودیان وجود نداشت و ترجمه‌ها ظاهراً بنابر درخواست یک حامی، حاکم یا علاقه شخصی مترجم انجام می‌شد. (Halkin and Badillo, 2007: v20, p94) اما بیشتر فعالیت‌های مترجمان بنابر نیاز جوامع اروپایی علوم عقلی، تجربی و نظری مانند طب، فیزیک، ریاضیات، نجوم، کیمیا، حساب و هندسه را شامل می‌شد. ترجمه آثار فلسفی اندکی با تأخیر و از قرن سیزدهم صورت گرفت. علت این تأخیر روی گردانی اندیشمندان مسیحی از مباحث نظری فلسفه و حکمت الهی بود که مدت‌ها در کلیساها بدان پرداخته می‌شد. (میه لی، ۱۳۷۱: ۵۰۸) بیشتر مترجمان از جمله خاندان تبون در زمینه علمی که ترجمه می‌کردند صاحب نظر بودند. البته تعداد کمی از مترجمان یهودی دانش کافی نداشتند که در مقایسه با اکثریت تعداد آن‌ها اندک بود. (Halkin and Badillo, 2007: v20, p96)

درباره اینکه آیا مترجمان حق الزحمه‌ای در قبال ترجمه دریافت می‌کردند اطلاعات چندانی

در دست نیست. اما به نظر می‌رسد برخی از آن‌ها مبالغی دریافت می‌کردند. ولی مترجمان مشهوری مانند ابن تبون (۱۱۹۰-۱۱۲۰ م) و ابراهیم بن عزرا ترجمه را برای نزدیکی به حاکمان وقت و جلب نظر هموطنان یهودی که به نوعی از استفاده دانشوران یهودی از زبان عربی در آثار خود رنجیده خاطر بودند، انجام می‌دادند. (Halkin and Badillo, 2007: v20, p95)

مترجمان برای استفاده از زبان عربی دلایلی داشتند؛ اول اینکه زبان حاکمان اسلامی عربی است و برای نزدیکی به آنان از این زبان استفاده می‌کردند ضمن اینکه علوم اسلامی به زبان عربی بود و زبان علمی آن عصر محسوب می‌شد. دوم بلاغت زبان عربی و گستره وسیع واژگان این زبان جهت معادل سازی اصطلاحات علمی بسیار مناسب است. لذا دانشمندان یهودی با وام‌گیری از واژگان زبان عربی به غنی سازی زبان عبری که دایره واژگان محدودی برای اصطلاحات علمی داشت می‌پرداختند. (Halkin and Badillo, 2007: v20, p95)

سده دوازدهم و سیزدهم میلادی: اوج نقش آفرینی مترجمان یهودی

قبل از قرن دوازدهم میلادی ترجمه آثار مسلمانان از زبان عربی به لاتین به صورت پراکنده و موردی مربوط به قرن دهم در زمینه ریاضیات و اسطرلاب در اسپانیا وجود داشت. (میه لی، ۱۳۷۱: ۵۰۹) اما آن چه تحت عنوان نهضت ترجمه متون مسلمانان در اروپا شهرت یافت، محدوده زمانی قرون دوازدهم و سیزدهم میلادی است که بسیاری از کتاب‌های مسلمانان در سطحی وسیع و به طور برنامه‌ریزی شده از زبان عربی به زبان لاتین در طلیطله ترجمه شد. (کلباسی اشتری، ۱۳۸۹: ۱۱۳)

تا نیمه اول سده دوازدهم میلادی هنوز یهودیان شرق و غرب به خوبی عربی می‌دانستند و زبان عبری، زبان علمی آنان نبود، اما به تدریج نیاز به ترجمه عبری احساس شد. از محدود نمونه‌های کوشش در این نیم سده باید به ترجمه‌های ابراهیم بن عزرا در زمینه‌های اخترگویی و اخترشناسی، دستور زبان و نیز ترجمه رساله‌ای در موسیقی از ابراهیم برحیه (د. ۱۱۳۸ م) اشاره کرد (حاج منصوری، ۱۳۸۳: ج ۱۵، ص ۳۳) روی آوردن یهودیان اندلس به ترجمه عبری، در نیمه دوم سده دوازدهم میلادی بسیار جدی‌تر بود، اهتمام مترجمان این دوره معطوف به ترجمه آثاری از خود دانشوران یهودی بود که آثار خود را به زبان عربی نگاشته بودند. از این میان می‌توان به یوسف قمحی (د. ۱۱۷۰ م) و یهود ابن تبون اشاره کرد که آثار فلسفی و اخترشناسی دانشمندی چون ابن جیبرول، یهودا لاوی و بحیه بن یوسف یهودی را از عربی به عبری

برگرداندند. (سارتن، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۹۲۱)

سده سیزدهم میلادی اوج شکوفایی ترجمه عربی به عبری است. با روی کار آمدن آلفونسوی دهم ملقب به حکیم^{۱۱} (۱۲۸۴-۱۲۲۱ م) نهضت ترجمه وارد مرحله جدید شد. به این صورت که در ترجمه از مسیحیان، مسلمانان و یهودیان مهاجر به طور گسترده استفاده شد و تقویت زبان‌های محلی در دستور کار قرار گرفت. (جنثالک بالثیا، ۱۹۵۵ م، ۵۷۳) مترجمانی مانند یهودا حزری، ابن حسدای و سموئیل بن طیبون در نیمه نخست قرن سیزده و شم بن اسحاق و زراحیه گراسیان در نیمه دوم قرن سیزدهم از مترجمان فعال در اندلس بودند. (سارتن، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۱۳۲۷-۱۳۲۸) در این دوره آثار دانشمندان یهود مانند ابن میمون به همراه نوشته‌های عالمان مسلمان چون فارابی، ابن سینا و ابن رشد نیز مورد توجه مترجمان بود و طب، ریاضیات، فیزیک، نجوم و مکانیک و حتی مقامات حریری به‌عنوان یک اثر ادبی در این دوره ترجمه شد. (حاج منصور، ۱۳۸۳: ج ۱۵، ص ۳۳) در نیمه دوم قرن چهاردهم میلادی با کاهش روزافزون زبان عربی نزد مسیحیان جریان ترجمه بسیار کمرنگ شد هر چند مترجمانی چون یعقوب کارسنو ترجمه‌های محدودی پدید آوردند اما ترجمه‌های قابل توجهی در این دوره صورت نگرفت. با این حال بخشی از آثار مولفان عربی زبان چه دانشمند مسلمان یا یهود جز از طریق ترجمه‌های عبری شناخته شده نیست. (حاج منصور، ۱۳۸۳: ج ۱۵، ص ۳۴)

معرفی مترجمان برجسته یهودی در اندلس

مترجمان یهودی را از نظر ترجمه از عربی به زبان‌های دیگر در دو گروه می‌توان دسته بندی کرد:

الف. مترجمانی که از عربی به اسپانیایی ترجمه می‌کردند:

۱. یوحنا اشبیلی^{۱۲} (۱۱۰۰-۱۱۸۰ م)

یوحنا به‌عنوان سرآمد مترجمان در قرن دوازدهم میلادی در بین مسلمانان به ابن داود مشهور بود که از یهودیت به مسیحیت گرویده بود. (بدوی، ۱۹۹۳ م: ۶۳۱) یوحنا بین سال‌های (۵۳۰-۱۱۳۵/۵۴۸-۱۱۵۳) در دارالترجمه طلیطله و زیر نظر اسقف اعظم ریموندو متون را از عربی به اسپانیایی و سپس گوندیسالوو به لاتینی ترجمه می‌کرد. متونی که او از عربی

11. el Sabio

12. Johannes Hyspalensis

ترجمه کرد شامل ۲۵ کتاب و رساله در موضوعات حساب، طب، نجوم و فلسفه بود. از مهم‌ترین آن‌ها کتاب *حساب خوارزمی* است که مبنای ریاضیات اعشاری در اروپا گردید. (سارتن، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۱۲۴۶-۱۲۴۹) بیشتر آثار ترجمه‌شده در نجوم در نیمه اول سده دوازدهم مربوط به یوحنا است از میان ۱۳ ترجمه او در نجوم، *رسایل بتانی*، ثابت بن قره، ابومعشر بلخی و مسلمه مجریطی از اهمیت بیشتری برخوردار بود. (کعدانی و عنجرینی، ۱۳۸۹: ۳۶-۳۷) ترجمه او در فلسفه نیز شامل هفت اثر از جمله *رساله فی العقل* از کندی، *احصال‌العلوم فارابی*، قسمتی از کتاب *الشفا* ابن سینا و *مقاصد/فلسفه غزالی* بود. بسیاری از این کتاب‌ها در طی قرون ۱۵ و ۱۶ م با ظهور صنعت چاپ، به چاپ رسیدند. از آن جمله *نجوم فرغانی* که در سال ۸۹۷ ق و کتاب *الموالید* ابن خیاط در سال ۹۵۲ ق چاپ شدند. (کلباسی اشتری، ۱۳۸۹: ۱۱۴؛ بدوی، ۱۹۹۳ م: ۶۳۰-۶۳۲)

۲. ابویوسف حسدای بن اسحاق بن عذرا بن شپروط (۹۷۰-۹۱۵ م) ^{۱۳}

ابن شپروط در خانواده‌ای ثروتمند در قرطبه متولد شد. او نخستین یهودی بود که در اسپانیا نزد مسلمانان به مقام دولتی رسید. حسدای تحصیلات عالی در طب داشت، و به دلیل مهارت در طب و زبان‌های عربی، عبری و لاتین وارد دربار عبدالرحمن سوم شد و به‌عنوان پزشک دربار مشغول به خدمت گردید. اگرچه به دلیل عدم ایجاد حساسیت در دربار به مقام وزارت نرسید، اما به‌عنوان رابط در برقراری ارتباط سیاسی خارجی بین خلیفه و مناطق مسیحی مانند کاستیل به فعالیت می‌پرداخت. کتاب *الادویه، الخشائش و النباتات* در طب و علوم طبیعی را ترجمه کرد. (کستلر، ۱۳۶۱: ۷۹-۹۴)

۳. ابراهیم طلیطلی ^{۱۴} (ح ۱۲۲۵-۱۲۹۴ م)

ابراهیم طلیطلی معروف به حکیم که ابراهیم یهودی اسپانیایی نیز نامیده می‌شد. در حدود سال‌های ۶۷۵-۶۸۵ ق مشغول به فعالیت در دارالترجمه طلیطله بود. ترجمه‌های وی شامل کتاب *هیئ العالم* ابن هیشم که آن را با تصرف بسیار با عنوان *السما العالم* از عربی به اسپانیایی ترجمه کرد. کتاب *الاسراء و المعراج* یا *معراج محمد (ص)* که آن را به دستور آلفونسوی دهم از عربی به اسپانیایی ترجمه کرد و به همین دلیل مورد تشویق و تمجید وی قرار گرفت و همین‌طور کتاب *صحیفه الزرقانی* که ترجمه کتاب *الاسطرلاب* زرقانی است. (کلباسی اشتری، ۱۳۸۹: ۱۱۸)

۴. اسحاق بن سید ^{۱۵} (قرن سیزدهم میلادی)

13. Ḥisdai ibn Shaprut

14. Abraham of Toledo

اسحاق ملقب به امام اخترشناس، سازنده ابزارهای نجومی و مترجم عربی به اسپانیایی از یهودیان اسپانیا مهم‌ترین دستیار آلفونسو که در حدود ۱۲۶۳-۱۲۷۷ م در طلیطله حضور داشت. از ترجمه‌های او می‌توان از قوانین علم النجوم بتانی، دو مقاله در باب ذات الحلق، دو مقاله در باب اسطرلاب کرووی، دو مقاله در باب صَفِیحه از علی بن خلف، کتاب التریعات و چهار مقاله در کتاب الساعات نام برد (سارتن، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۱۷۳۰؛ <http://www.jewishencyclopedia.com/articles/8219-isaac-ibn-sid-zag-cag>)

۵. سموئیل هه - لاوی^{۱۶} (ح ۱۳۲۰-۱۳۶۰ م)

سموئیل لاوی ملقب به ابوالعافیه و عضو یکی از خانواده‌های یهودیان اسپانیا با همین لقب، که شاخه‌ای از آن با لقب ثانوی لاوی از بقیه ممتاز بود. سموئیل در خدمت آلفونسوی دهم به ترجمه آثار نجومی از عربی به اسپانیایی اشتغال داشت. اثر ناشناسی درباره نحوه ساختن ساعت شمعی را ترجمه کرد و یهودا بن موسی را در تصحیح و تکمیل ترجمه اسپانیایی کتاب صورالکواکب یاری رساند. (سارتن، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۱۷۲۹-۱۷۳۰)

۶. یهودا بن موسی^{۱۷} (قرن سیزدهم میلادی)

پزشک و اخترشناس یهودی و از مترجمان عربی به اسپانیایی که در خدمت آلفونسوی دهم بود. وی یکی از دو مؤلف اصلی زیج آلفونسی در سال ۱۲۷۲ م نیز به شمار می‌رود. ترجمه کتابهای الکره قسطا بن لوقا، صورالکواکب عبدالرحمن صوفی، البارع ابن ابی رجال، الجواهر ابوالعیش به او منسوب است. (سارتن، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۱۷۲۹)

ب- مترجمانی که از عربی به عبری ترجمه می‌کردند

۱. ابراهیم بن عزرا معروف به ابن عزرا (۴۸۴-۵۶۲ ق/ ۱۰۹۰-۱۱۶۷ م)

ابن عزرا از مترجمان مشهور یهودی که در طلیطله متولد شد. او دو رساله در احکام نجوم و ترجمه شرح بیرونی بر زیج خوارزمی در سال ۵۵۵ ق را از عربی به عبری ترجمه کرد. با ترجمه‌های وی در نجوم، دانشمندان اروپایی با دستاوردهای منجمان و ریاضیدانان مسلمان آشنا شدند. در مجموع وی ۱۰۸ کتاب به زبان عبری ترجمه یا تألیف کرد. (سارتن، ۱۳۸۳: ج ۲، ص

15. Isaac Ibn sid

16. Samuel ha-Levi Abulafia

17. Judah ben Mosses ha-Kohen

۱۲۶۵؛ راز پوش، ۱۳۶۷: ۲۸۷-۲۸۹)

۲. ابراهیم برحیه^{۱۸} (د. ۱۱۳۸ م)

در مورد زندگی برحیه اطلاعات زیادی در دست نیست جز این که وی را متولد سال ۱۰۶۵ یا ۱۰۷۰ م در بارسلونا می‌دانند وفات وی را در ۱۱۳۸ م آورده‌اند. برحیه به همراه افلاطون تیولی آثار بسیاری از عربی به لاتین ترجمه کرد. همچنین از طرف آلفونسو پادشاه آراگون به‌عنوان صاحب شرطه منصوب شد. (wigoder, 2007, v1, p292-294)

۳. یهودا بن سائول (شایول) بن تبون (۱۱۹۰-۱۱۲۰ م)^{۱۹}

یهودا بن تبون از یهودیان ساکن غرناطه که به شهر لوندل در جنوب فرانسه کوچید و به طبابت پرداخت. حداقل چهار نسل از اعضای این خاندان مترجمین نامدار دانش‌های اسلامی بودند. پسر و نوه‌اش، سموئیل بن تبون (۱۲۳۰-۱۱۶۰ م) و موسی بن سموئیل بن تبون (سده سیزدهم میلادی)، به پزشکان و مترجمین سرشناس جنوب اروپا بدل شدند. آنان تعداد زیادی از آثار از جمله کتب فارابی و ارسطو را از عربی به عبری و لاتین ترجمه کردند. (شهبازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۳۹، ۲۱۴-۲۱۳، ۱۹۷۷، sirat)

۴. موسی بن سموئیل بن تبون (۶۳۷-۶۸۲/۱۲۴۰-۱۲۸۳)^{۲۰}

خانواده تبون از برجسته‌ترین مترجمان یهودی در نیمه دوم قرن دوازدهم در اسپانیا به شمار می‌رفتند. مهم‌ترین فرد این خاندان موسی پسر سموئیل (۱۲۴۰-۱۲۸۳ م) بود. او بیش از ۳۰ اثر را ترجمه کرد. (کلباسی اشتری، ۱۳۸۹: ۱۱۹؛ میه لی، ۱۳۷۱: ۵۱۸) از ترجمه‌های موسی بن سموئیل می‌توان به تفاسیر ابن رشد، کتاب الاصول فارابی، کتاب الحقائق بطلمیوس، تفسیری بر آثار ابراهیم بن عذرا و تحقیق در مورد تعداد فرمان‌ها در آثار ابن جبیرول و ابن میمون اشاره کرد. (Sirat, 1977, ۲۲۸-۲۲۹)

۵. یوسف بن اسحاق قمحی^{۲۱} (د. ۱۱۷۰ م)

یوسف قمحی معروف به رقام و استاد صغیر، نحوی، حکیم الهی بود که در حدود ۱۱۰۵ م در جنوب اسپانیا متولد شد و در حدود سال ۱۱۷۰ م درگذشت. کار ابراهیم بن عزرا و ابراهیم برحیه

18. Abraham Bar Hiyya

19. Judah ibn Tibbon

20. Moses ben Samuel ibn Tibbon

21. JOSEPH KIMḤi

را در انتقال تعالیم عرب و یهودی به یهودیان اروپای مسیحی دنبال کرد. درباره دستور زبان عبری کتابی نوشت. کتاب *الهدایه الی فرایض القلوب بحیه بن یوسف* (نیمه اول سده دوازدهم) را به عبری ترجمه کرد. شکل *هه- قدش (شکل مقدس)* را نوشت، که ترجمه موزونی است از *مختار الجواهر ابن جبیرول*، این ترجمه موزون از ترجمه عبری دیگری به نام *مبهرهه - پنینم*، اقتباس شده است. همچنین *یسود هه- یراه (اساس ترس دینی)* را ترجمه کرد. هر دوی این رساله‌ها مجموعه سخنان دینی و فلسفی مشابه است. (سارتن، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۱۸۳-۱۱۸۴ (Talmage, 2007, v12, p157,

۶. یهودا بن سلیمان حرزی (ح ۱۱۷۰-۱۲۳۵ م) ^{۲۲}

شاعر، فیلسوف، متکلم و پزشک یهودی اسپانیایی که احتمالاً در غرناطه یا طلیطله متولد شد. آثار زیادی از عربی به عبری ترجمه کرد. برای نمونه می‌توان از رساله *جالینوسی* در باب روح در حدود سال ۱۲۰۰ م و *کلمات الحکماء* از حنین بن اسحاق نام برد. (سارتن، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۴۵۸ (Mirsky and Stroll, 2007, v1, p655-657,

۷. ابراهیم بن سموئیل بن حسدای لاوی ^{۲۳} (۱۲۴۰ م)

ابراهیم بن سموئیل دربارسلون متولد شد و در سال ۱۲۴۰ م درگذشت. او از مدافعان سرسخت فلسفه ابن میمون بود. از جمله ترجمه‌های عربی به عبری وی می‌توان از کتاب *التفاح*، *محاویره ارسطویی* مجعولی که متن عربی آن گم شده است، کتاب *الاسطقسات اسحاق اسرائیلی*، رساله اخلاقی *غزالی* به نام *میزان العمل*، دو رساله از ابن میمون به نام‌های *کتاب السراج* و *کتاب الفرائض*؛ داستان *برلعم و یوداسف* با سرپرستی *مانفرد*، پادشاه *سسیل* نام برد. (سارتن، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۴۱۸ (Ashkenazi: 2007, v9, p679,

۸. سلیمان بن یوسف بن ایوب سفرده ^{۲۴} (قرن یازدهم میلادی)

سلیمان بن یوسف در غرناطه متولد شد و از پزشکان مشهور در این دوره بود. او کتاب *الفرائض* از آثار ابن میمون، کتاب *التنبیه و کتاب التسویه* و دو رساله در باب دستور زبان ابن جناح، شرح متوسط *بر اسماء و العالم* ارسطو طالیس از ابن رشد، *ارجوزه فی الطب* و منظومه *طبی* ابن سینا را از عربی به عبری ترجمه کرد. (سارتن، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۷۳۲،

22. Judah ben Solomon al-Harizi

23. Abraham ben Samuel ibn Hasdai ha-Levi

24. Solomon Ben Joseph Ibn Ayyub of Granada

(<http://www.jewishencyclopedia.com/articles/13866-solomon-ben-joseph-ibn-ayyub-of-granada>)

۹. شم طب بن اسحاق^{۲۵} (زنده تا سال ۱۲۶۷ م)

شم بن اسحاق پزشک، فیلسوف و مترجم معروف یهودی اسپانیایی که در سال ۱۱۹۶ م در طرسوسه به دنیا آمد و تا ۱۲۶۷ م در قید حیات بود. وی به قصد تجارت به مناطق شرقی سفر کرد و از ۱۲۲۶ م در بارسلون به مطالعات علمی و فلسفی پرداخت. وی بسیاری از آثار طبیی مسلمانان را ترجمه کرد از جمله ترجمه وی شرح متوسط ابن رشد بر کتاب النفس ارسطو بود و کتاب *فصول بقراط* در سال ۱۲۶۷ م در تاراسکون بود. اما ترجمه دو کتاب از بزرگترین آثار طب اسلامی یعنی *التصریف ابوالقاسم زهراوی* در ۱۲۵۴ تا ۱۲۵۸ م در ماریسی و *المنصوری رازی* در سال ۱۲۶۴ م سبب شهرت وی شد. (سارتن، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۷۳۲)

۱۰. زرحیه بن اسحاق بن شلتیل گراتیان^{۲۶} (نیمه دم قرن سیزدهم میلادی)

زرحیه فیلسوف، پزشک و مترجم آثار فلسفی و طبیی که در بارسلون یا طلیلله متولد شد. گراتیان نام یکی از خانواده‌های معتبر یهودی در بارسلون بود. وی کتاب‌های طبییعیات، مابعدالطبیعه، السماء و العالم، کتاب النفس، شرح تمیستیوس بر السماء و العالم ارسطو و کتاب *العلل نوافلاطونی*، کتاب فی ماهیت النفس فارابی، شرح‌های متوسط ابن رشد بر طبییعیات، مابعدالطبیعه، و السماء و العالم و همچنین کتاب *الاسباب و العلامات* و سه فصل از ترکیب الادویه جالینوس را ترجمه کرد. (سارتن، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۷۳۳؛ <http://www.jewishencyclopedia.com/articles/6848-gracian-zerahiah-ben->

[isaac-ben-shealtiel-hen](http://www.jewishencyclopedia.com/articles/6848-gracian-zerahiah-ben-))

۱۱. یعقوب بن موسی اَیسه-هه-بدرشه^{۲۷} (نیمه دوم قرن سیزدهم میلادی)

یعقوب بن موسی متکلم بزرگ از اهالی لانگدوک که از سال ۱۲۹۷-۱۲۹۸ م در شمال آراگون اقامت گزید. وی شرح ابن میمون بر قسمت سوم مشنه را به صورت تحت الفظی به عبری ترجمه کرد. (سارتن، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۷۳۹)

25. Shem –tob ben Issac

26. Zerahiah ben Issac ben Shealtiel; Z. Hen Gracian

27. Jacob ben Mosses ibn Abbassi hs-Bedarshi

نتیجه

تصرف اندلس به دست مسلمانان نقطه عطفی در تاریخ این سرزمین به شمار می‌رود زیرا دانش‌های اسلامی که در شرق گسترش و تکامل یافته بود، به اندلس راه یافت و ساکنان آنجا با میراث علمی مسلمانان آشنا شدند. تسامح و تساهل حکام مسلمان با پیروان سایر ادیان، به‌ویژه دانشمندان مسیحی و یهودی و فراهم نمودن زمینه تحصیل علم در اندلس، دسترسی آسان به علوم مسلمانان را برای آن‌ها میسر ساخت و موجب روی آوردن طالبان علم از نقاط مختلف به این سرزمین گردید. بنابراین قبل از نهضت بازپس‌گیری اندلس به دست مسیحیان، شرایط برای یک دوره درخشان علمی فراهم شده بود که این موضوع در دارالترجمه طلیطله نمایان شد که در آنجا علوم مختلف از زبان‌های عربی، عبری و یونانی به لاتین ترجمه شد.

آشنایی با زبان عربی مهم‌ترین ابزار برای ترجمه بود که یهودیان به دلیل حضور در جوامع اسلامی دارا بودند. علاوه بر یهودیانی که در اندلس حضور داشتند، سخت‌گیری‌های حاکمان موحدی چون عبدالمومن سبب مهاجرت بسیاری از یهودیان از شمال آفریقا به شهرهای اندلس مانند طلیطله و قشتاله شد. مترجمان یهودی در فاصله قرن‌های دوازدهم تا سیزدهم میلادی نقش بسزایی در ترجمه علوم در دارالترجمه طلیطله داشتند. بررسی‌ها نشان داد یهودیان آثار مختلفی را در علوم عقلی مانند حساب، طب، نجوم، کیمیا، هندسه و فلسفه ترجمه کردند و کمتر به علوم دیگر توجه داشتند و در این میان آثار عالمان و دانشمندان برجسته اسلامی مانند خوارزمی، رازی، ابن سینا، فارابی، ابن رشد و غزالی توسط آنها ترجمه شد. همچنین آثاری از دانشمندان و حکمای یونانی مانند جالینوس، ارسطو و افلاطون را نیز ترجمه کردند. همچنین مشخص شد که یهودیان با اهداف گوناگون از جمله نزدیکی به حاکمان مسیحی و جلب نظر هموطنان عبری زبان در ترجمه علوم همکاری می‌کردند. ترجمه‌ها از زبان عربی به عبری و اسپانیایی و لاتین توسط آنان صورت می‌گرفت. گاهی مترجمان در قبال ترجمه خود مستمری دریافت می‌کردند ولی این در مورد مترجمان مشهور صادق نبود. از آنجا که یهودیان خود نیز از عالمان و دانشوران علوم مختلف از جمله طب، ریاضیات و دیگر علوم عقلی به حساب می‌آمدند، علاوه بر ترجمه، آثاری در این علوم نوشتند که یوحنا اشبیلی، ابراهیم بن عزرا و ابراهیم طلیطلی از جمله آن‌ها به شمار می‌روند.

منابع و مأخذ

۱. ابن ابی صبیعه، احمد بن قاسم (۱۹۶۵ م). عیون الانباء فی طبقات الاطباء، تحقیق نزار رضا، بیروت: دارالمکتبه الحیاه.
۲. ابن اثیر، ابوالحسن علی (۱۴۱۳ ق). الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر للطباعه والنشر.
۳. ابن بسام، (الشنترینی) (۱۹۴۲ م). الذخیره فی محاسن أهل الجزیره، قاهره: مطبعه لجنه التألیف و الترجمة و النشر، قسم ۱، مجلد ۲.
۴. ابن خطیب، لسان الدین (۱۹۵۶ م). تاریخ اسبانیة الاسلامیه أو أعمال الأعلام، تحقیق لیفی بروفنسال، بیروت: دارالمکشف، طبعه ۲.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۹۷۱ م). تاریخ ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، چ ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۶. ابن حوقل، محمد بن علی بن حوقل (۱۹۳۸ م). صورہ الارض، بیروت: دارصاد.
۷. ابن سعید مغربی [ابی تا]. المغرب فی حلی المغرب، حققه وعلق علیه شوقی ضیف، مصر: دارالمعارف.
۸. ابن عذاری، ابوالعباس احمد بن محمد المراكشی (۱۹۵۰ م). البیان المغرب فی اخبار الاندلس والمغرب، نشر و تعلق احسان عباس، بیروت: دار الثقافه، ج ۲.
۹. ابن قوطیه، (۱۹۹۴ م). تاریخ افتتاح الاندلس، بیروت: موسسه المعارف للطباعه والنشر.
۱۰. الادریسی، محمد بن حمد (۱۹۶۸ م). صفه المغرب، تحقیق دوزی، دخویه، لیدن.
۱۱. أشباح، یوسف (۱۹۳۹ م). تاریخ الأندلس فی عهد المرابطون والموحدون، ترجمه محمد عبد الله عنان، طبعه القاهرة: مکتبه الخانجی.
۱۲. اندلسی، ابوالقاسم صاعد بن احمد (۱۳۷۶). التعریف به طبقات الامم، به تصحیح و تحقیق غلامرضا جمشید نژاد، چ ۱، تهران: هجرت.
۱۳. أرنالديز، روجر (۱۹۷۳ م). مجله المغرب الاسلامی و المتوسط، العدد الأول.
۱۴. بالنشیا، أنخل جنثالث (۱۹۵۵ م). تاریخ الفكر الاندلسی، نقله عن الاسبانیه حسین مونس، قاهره: مکتبه الثقافه الدینینه.

۱۵. بدوی، عبدالرحمن (۱۹۹۳ م)، موسوعه المستشرقین، بیروت: دارلعلم للملایین.
۱۶. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۹۵۷ م). فتوح البلدان، تحقیق صلاح الدین المنجد، قاهره: مطبعه لجنه البیان العربی.
۱۷. حاج منصور، فرامرز (۱۳۸۳). «ترجمه»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران: دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۵.
۱۸. حایک، سیمون (۱۹۸۷ م). تعربت و تغربت او نقل الحضاره العربیه الی المغرب، جونیة: المطبعه البولسیه.
۱۹. حمیری، محمد بن عبد المنعم (۱۹۸۴ م). الروض المعطافی جنه الاقطار، تحقیق احسان عباس، ط الثانیه، بیروت: بی جا.
۲۰. حمیری، محمد بن عبد المنعم (۱۹۳۷ م). الروض المعطافی جنه الاقطار، تحقیق لیفی بروفنسال، قاهره: لجنه التالیف.
۲۱. خراسانی، شرف الدین (۱۳۷۴). «ابن رشد» دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳.
۲۲. دامپی، یر، ویلیام سیسیل (۱۳۷۱). تاریخ علم، ترجمه آذرنک، تهران: سمت.
۲۳. دوزی (۱۹۳۳ م). ملوک الطوائف، ترجمه کامل الکیالی، القاهره: مکتبه عیسی البابی الحلبی، طبعه اولی.
۲۴. راز پوش، شهناز (۱۳۶۷)، «ابن عذرا» دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴.
۲۵. رشاد، محمد (۱۳۷۳). جنگ‌های صلیبی، تهران: اندیشه.
۲۶. روسو، پی یر (۱۳۴۴). تاریخ علم، ترجمه حسن صفاری، تهران: امیرکبیر.
۲۷. سارتن، جورج (۱۳۸۳). مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۸. شهیازی، عبدالله (۱۳۷۷). زرسالاران یهودی و پارسی استعمار بریتانیا و ایران، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
۲۹. عنان، محمد عبدالله (۱۳۶۶). تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ترجمه عبدالحمید آیتی، چ ۱، تهران: کیهان.
۳۰. فروخ، عمر (۱۹۸۱ م). العرب والاسلام فی الحوض الغربی من البحر الابیض

- المتوسط، طبعه الثانيه، بيروت: دارالكتاب العربي.
۳۱. فروخ، عمر (۱۹۷۹ م). تاریخ صدر الاسلام و الدوله الأمويه، طبعه رابعه، بيروت: دارالعلم للملایین.
۳۲. الفيومي، محمد ابراهيم (۱۹۹۷ م). تاريخ الفلسفه الاسلاميه فى المغرب والاندلس، ج ۱، بيروت: دارالجبيل.
۳۳. کستلر، آرتور (۱۳۶۱). خزران، ترجمه محمد علی موحد، تهران: خوارزمی.
۳۴. کلباسی اشتر، حسین (۱۳۸۹). «نهضت ترجمه متون علمی - فلسفی تمدن اسلامی به زبان لاتینی در اروپا»، فصلنامه تاریخ فلسفه، ش ۲، پاییز، صص ۱۰۹-۱۲۲.
۳۵. کعدان و عنجرینی (۱۳۸۹). «نقش شهر طلیطله در انتقال طب اسلامی به اروپا»، ترجمه فرزانه غفاری وهانیه مرتضی، فصلنامه تاریخ پزشکی، ش ۲، بهار، صص ۵۶-۶۷.
۳۶. معایرجی، حسن (۱۳۷۱). «نخستین ترجمه‌های قرآن کریم و تاثیر آن بر ترجمه‌های قرآن به زبان اروپایی»، دوماهنامه آینه پژوهش، ش ۱۵، پاییز، صص ۳۰-۳۸.
۳۷. المقری (۱۹۶۸ م). نفع الطیب من غصن الأندلس الرطیب، تحقیق احسان عباس، بيروت: طبعه دار صادر، ج ۱.
۳۸. مونس، حسین (۱۹۶۴ م). فجرالاندلس: دراسه فى تاريخ الاندلس من الفتح الاسلامی الى قیام الدوله الامويه، قاهره: الشركه العربيه.
۳۹. میه لی، آلدو (۱۳۷۱). علوم اسلامی و نقش آن در تحولات علمی جهان، ترجمه محمدرضا شجاع رضوی و اسداله علوی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۴۰. نصری، عبدالهادی (۱۹۹۳ م). دورالاندلس فى انتشارالعلوم العربيه الى اوروبا، حلب: منشورات جامعه حلب.
۴۱. وات، مونگری (۱۳۷۸). تأثیر مسلمین بر اروپای قرون وسطی، ترجمه حسین عبدالمحمدی، قم: موسسه امام خمینی.
۴۲. هشام، ابو رميله (۱۳۶۶). «اسپانیا و تمدن اسلامی»، ترجمه حمید رضا آزییر، مشکوه، ش ۱۴، بهار، صص ۵۷-۶۰.
۴۳. همتی گلیمان، عبدالله (۱۳۸۶). تاریخچه شرق شناسی (کاوشی در سیر مطالعات

اسلامی در غرب)، مشهد: جهاد دانشگاهی.

۴۴. هونکه، زیگرید (۱۳۸۶). فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه مرتضی رهبانی، چ ۷، تهران: دفتر نشر فرهنگ.

45. Ashkenazi, Shmuel, (2007). "IBN H. ASDAI, ABRAHAM BEN SAMUEL HALEVI", Encyclopedia Judaica, second edition, Jerusalem: Keter Publishing House, v9.
46. Halkin, Abraham Solomon and Badillo, Angel Saenz, (2007), "translation and translators", Encyclopedia Judaica, second edition, Jerusalem: Keter Publishing House, v.20.
47. Mirsky, Aharon and Stroll, Avrum, (2007), "ALH. ARIZI, JUDAH BEN SOLOMON", Encyclopedia Judaica, second edition, Jerusalem: Keter Publishing House, v1.
48. Sirat, Colette, (1977), A History of Jewish philosophy in the middle ages, New York: Cambridge university press.
49. Talmage, Frank, (2007), "KIMH. I, JOSEPH" Encyclopedia Judaica, second edition, Jerusalem: Keter Publishing House, v12.
50. wigoder, Geoffrey, (2007), "Abraham Bar Hiyya", Encyclopedia Judaica, second edition, Jerusalem: Keter Publishing House, v1.
51. <http://www.jewishencyclopedia.com/articles/6848-gracian-zerahiah-ben-isaac-ben-shealtiel-hen>
52. <http://www.jewishencyclopedia.com/articles/8219-isaac-ibn-sid-zag-cag>.
53. <http://www.jewishencyclopedia.com/articles/13866-solomon-ben-joseph-ibn-ayyub-of-granada>.